

ولایت علی (ع) از نظر قرآن

* قرابت و خویشی بایغمبر در خلافت علی (ع) مؤثر نبود

* دین اسلام با ولایت علی (ع) کامل گردید

* ماهوریت الهی

محور اصلی اختلاف بین شیعه و اهل تسنن مسأله خلافت است ، شیعه طبق مدارك معتبر موجود عقیده دارد که خلافت و تصدی مقام ولایت حق علی (ع) و فرزندان گرامی وی می باشد و دیگران برای احراز این مقام بزرگ الهی صلاحیت ندارند .

خوشبختانه اکثر کتب اهل سنت عقیده شیعه را مورد گواهی قرار می دهند و روایات زیاد معتبری که تصریح می کنند تنها کسی که پیغمبر وی را از جانب الهی بخلافت مسلمین بعد از خود برگزیده است علی (ع) می باشد ، از آنجا که برای همیشه نمیتوان جلو نور خورشید حقیقت را گرفت و برای ابد تاریکی جهل بوجود آورد ، بر خلاف میل اکثر علماء اهل سنت واقعت تاریخی ولایت علی (ع) از طریق قلم و بیان آشکار و شاید بتوان گفت که رویهمرفته اعترافات علماء اهل سنت نه تنها کمتر از آن نیست که علماء شیعه آنها را در کتب معتبر خود نقل کرده اند بلکه بعضی از مسائل مربوط بخلافت و حوادث راجع بشأن علی (ع) را داداشمندان اهل تسنن در کتب معتبر خود با اضافاتی ذکر نموده اند که در کتب معتبر شیعه دیده نمیشود و این بهترین سند صحت عقیده و گفتار آنها در مسأله خلافت بشمار میرود .

اینک برای اینکه خوانندگان گرامی تصور نکنند که این صرف ادعای باشد قسمتی از اخبار فراوانی را که علماء اهل سنت در تأیید عقاید شیعه در کتب معتبر خود ذکر کرده اند در ذیل نقل میکنیم .

* * *

قرابت و خویشی بایغمبر در خلافت علی مؤثر نبود

در میان مفسرین و محدثین شیعه اختلافی نیست که آیات : (یا ایها الرسول ...) و

(الیوم اکملت لکم دینکم ...) (و سؤال سائل بعد اب واقع ...) و خبر صحیح (من کنت مولاه فعلی مولاه) در خصوص علی (ع) درباره خلافت و امامت آنحضرت نازل شده است .

بسیاری از بزرگان اهل تسنن نیز طی روایات متواتری تصریح کرده اند که این آیات و خبر صحیح مذکور در شأن علی (ع) نازل شده است و ما از میان این روایات فوق متواتر بذکر چند خبر از بزرگان علماء اهل سنت ، در اینجا اکتفاء میکنیم :

۱ - **واحدی** در کتاب خود «اسباب النزول» (۱) و سیوطی در «الدر المنثور» (۲) از ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابو سعید خدری و همچنین سیوطی بطریق دیگری از ابن مردویه از ابن مسعود نقل میکنند که این آیه (یا ایها الرسول ...) در شأن علی (ع) در روز غدیر خم نازل شده است .

۲ - **امام فخر رازی (۳) نیشابوری** در تفسیر خود می نویسد: «مفسرین در شأن نزول این آیه و جوهری ذکر کرده اند (وجه دهم) اینکه این آیه در فضل علی (ع) نازل شده ، و هنگام نزول این آیه بر پیامبر گرامی، پیغمبر با زوی علی علیه السلام را گرفته و در جلو جمعیت نگاه داشته چنین فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» سپس می نویسد: « عمر بعد از خاتمه سخنان پیغمبر اکرم از جای خود حرکت کرد و بسوی علی (ع) آمد در حالیکه چنین می گفت: « هنیئاً لك یا بن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة »

۳ - **تسوکانی** در تفسیر خود از ابوالشیخ از امام حسن مجتبی (ع) از رسول خدا نقل می کند که فرمود: خداوند بمن دستوری داد که در ابلاغ آن بیم داشتم مبادا مردم بزمان جاهلیت برگردند ولی خداوند بانزول این آیه (یا ایها الرسول بلغ) نگرانی مرا بر طرف کرد و ابلاغ این مأموریت خطیر را تأکید فرمود .

۴ - **قندوزی حنفی** در کتاب خود (۴) از ثعلبی از ابن صالح از ابن عباس و از امام محمد باقر (ع) و نیز آلوسی در تفسیر خود (۵) از ابن عباس نقل می کند که: این آیه شریفه در شأن علی (ع) هنگامی نازل شد که پیغمبر اکرم (ص) از اعلام ولایت علی (ع) بعموم مسلمین بیم داشت که مبادا خیال کنند پیغمبر زمام حکومت و خلافت مسلمانان را بدست پسر عم خود سپرد و بدینوسیله اختلاف در صفوف متحد مسلمین انداخت ... آیه شریفه مذکوره نازل شد و پیغمبر را مأمور ابلاغ این مأموریت بزرگ کرد و دست علی (ع) را گرفت و با جمله: (من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه) ولایت آنحضرت را بر همه مسلمانانها

(۱) ص ۱۵۰ (۲) ج ۲ ص ۲۹۸ (۳) ج ۳ ص ۶۳۶

(۴) ینابیع المودة ص ۱۲۰ (۵) ج ۶ ص ۱۷۲

اعلام نمود .

۵ - شیخ محمد عبده در تفسیر خود «المنار» (۱) تصریح می کند که این آیه در غدیر - خم در شأن علی (ع) نازل شده و روایتی نیز از ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر و همچنین از ابن عباس در این خصوص ذکر می کند که دین اسلام با ولایت علی (ع) کامل گردید .
روایات زیادی از بزرگان علماء عامه وارد است که آیه : « الیوم اکملت لکم دینکم ... » نیز در خصوص علی (ع) نازل شده و از جمله آنها روایات زیر است .

۱ - سیوطی در « الدر المنثور » (۲) از ابن مردویه و ابن عساکر ... از ابو سعید خدری نقل می کند : هنگامیکه پیامبر گرامی علی (ع) را با مر خداوند در روز غدیر خم بخلافت و پیشوائی مسلمین برگزید، وبمسلمین معرفی کرد ، آیه (الیوم اکملت لکم دینکم ...) توسط جبرئیل بر پیغمبر اکرم نازل شد .

۲ - خطیب در تاریخ بغداد (۳) از ابوهریره چنین نقل می کند : هنگامیکه پیغمبر بازوی علی (ع) را گرفت و جلو جمعیت مسلمانها بلند کرد چنین فرمود : مسلمانان ! آیامن ولی شما نیستم ؟ جواب دادند آری ، بعد فرمود : « کسی که من ولی او هستم علی (ع) نیز ولی او است » در این موقع عمر جلو علی (ع) آمده گفت : بخ بیخ لک یا بن ابی طالب اصیحت مولای و مولی کل مسلم در این هنگام بود که آیه « الیوم اکملت لکم دینکم ... » توسط پیکه وحی بر پیغمبر اکرم نازل شد .
۳ - حموینی در « فراید السمطین » در باب ۱۴ بسند خود از ابو سعید و خوارزمی در « مناقب » و یعقوبی در تاریخ خود با مختصر فرقی می نویسند که این آیه (الیوم اکملت ...) در روز غدیر خم بر پیغمبر نازل شد .

مأموریت الهی

شیلنجی در کتاب خود « نور الابصار » (۴) از تفسیر امام ثعلبی نقل می کند که می - گفت که « سفیان بن عیینه » از من سؤال کرد که آیه « سأل سائل بعداب واقع ... » درباره کی نازل شده است ؟ .

امام ثعلبی در جواب وی گفت ، از مسأله ای سؤال کردی که تا کنون کسی غیر از تو این مسأله را از من سؤال نکرده است ، سپس اضافه کرد ، پدرم از جعفر بن محمد (ع) از آباء گرام خود از رسول خدا (ص) چنین نقل می کند که پیغمبر اکرم در روز غدیر خم در اجتماع هزاران نفر از مسلمانها دست علی (ع) را گرفته جلو جمعیت نگاه داشت ، بطوریکه همه جمعیت علی (ع) را مشاهده می کردند بعد فرمود : « من کنت مولاه فعلی مولاه »

جریان تاریخی روز غدیر برق آسا در اطراف مکه و مدینه و سایر بلاد مسلمان نشین عربستان منتشر گردید و این خبر مهم اسلامی بگوش حارث بن نعمان نیز رسید ، بلافاصله سوار بر شتر راهوار خود گردید و با سرعت هر چه تمامتر بمدینه وارد و از شتر خود پیاده شده

بکر است خدمت رسول خدا آمد و با عصبانیت صدازد :

ای یا محمد تو ما را امر کردی که بوحدانیت خدا شهادت دهیم و رسالت الهی ترا بر مردم قبول نماییم و ما آنرا با جان و دل پذیرفتیم و نیز امر با قامه نماز در پیشگاه پروردگار کردی باز قبول نمودیم و هم چنین امر بانجام مراسم حج کرده ، و دستور با مساک و روزه ماه رمضان نمودی همه را از شما قبول کردیم و در مقابل او امر تو دم در نیاوردیم ، گویا تو از اطاعت و تسلیم صرف ما در مقابل دستورهایت سوء استفاده کردی و باین دستورات هم اکتفا ننمودید و پسر عم جوان خود را نیز بر ما برتری و رجحان دادی!! و چنانچه شنیده ام در روز غدیر خم در حضور جمعیت انبوه مسلمانان در خصوص علی این جمله را فرموده ای : « من کنت مولاه فعلی مولاه » این جمله بزرگی است و تحمل آن بر ما بسیار گران است.

خیلی میل دارم بدانم آیا این جمله را از ناحیه خود گفته ای یا با امر پروردگار مقام خلافت و امامت مسلمین را برای علی قرار دادی ؟ پیغمبر اکرم با کمال متانت و آرامش فوق العاده در جواب این مرد فرمود : بخدا سوگند که این رسالت بموجب دستور اکید خداوند انجام گرفته ما مورینی را که از جانب خداوند بمن واگذار شده عمل نموده و از ناحیه خود اقدام باین عمل ننموده ام. حارث بعد از شنیدن این کلمات از رسول اکرم ، در حالیکه سخت آشفته و عصبانی شده بود از جای خود بلند شد و بسوی شتر خود حرکت نموده وزیر لب چنین زمزمه می کرد : « اللهم ان کان ما یقول محمد حقاً فهاطر علینا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب الیم ، یعنی : « پروردگارا اگر سخنان پیغمبر و اقدام آنحضرت در نصب علی (ع) بولایت و حکومت اسلامی مطابق واقع بوده و از جانب تو این عمل را انجام داده است ما را سنگباران کن و با عذاب دردناکی مبتلا بنما »

بلافاصله مورد حمله سنگهای آسمانی که باشد هر چه تمامتر بسوی وی فرود می آمد قرار گرفته نقش بر زمین گردید تا یکی از آثار صدق گفتار پیغمبر و اقدام مهم آنحضرت صورت عمل بخود بگیرد!

در همین هنگام بود که پیک وحی بر پیغمبر نازل و آیه : (سأل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس له دافع...) را بر آنحضرت خواند.

عین این جریان تاریخی را که در شأن نزول این آیه نقل کردیم ، ابن صباغ مالکی و ابوالمسعود در تفسیر خود که در حاشیه تفسیر رازی چاپ شده و صفوری در نزهة المجالس (۱) نقل می کنند و صحت آنرا تأیید می نمایند .

سیط بن جوزی نیز بدنبال ذکر جریان حارث بن نعمان اضافه می کند: در حالیکه چشمان رسول اکرم از سخنان تند حارث سرخ شده بود در جواب وی چنین فرمود: قسم بخدای یگانه ، من با مر و دستور پروردگار ، علی (ع) را بخلافت مسلمین برگزیدم، این کار را از ناحیه خودم انجام ندادم و سه بار این جمله را تکرار فرمود .

آلمانیها و کتاب

ارقام شایان توجهی از کتابخواندن آلمانیها

برلن (د - آ - د) هفتاد میلیون جلد کتاب در سال ۱۹۶۵ از کتابخانه‌های عمومی آلمانی فدرال مورد استفاده مردم قرار گرفته است این رقم نه میلیون جلد بیشتر از سال قبل می باشد در ۱۰۰۰۰ شهر و روستای آلمان فدرال با جمعیتی قریب به ۴۷ میلیون نفر ۱۱۰۰۰ کتابخانه عمومی با ۳۷ میلیون جلد کتاب وجود دارد در رقم نامبرده کتابخانه های دانشگاهها، مدارس، بیمارستانها، پادگانهای نظامی و زندانها ملحوظ نشده اند .

بعلاوه در آلمان فدرال ۱۶ باشگاه کتاب با پنج میلیون نفر عضو وجود دارند، اکثر اعضای این باشگاههای کتاب، فرصت مراجعه به کتابخانه‌های عمومی را ندارند بدینجهت باشگاههای مذکور هر سه ماه یکبار فهرست جامعی از کتب منتشر برای اعضای خود میفرستند، هر يك از اعضا میتواند هر سه ماه یکبار یک کتاب بقیمت اختصاصی، سفارش بدهند بطور کلی اعضای باشگاههای کتاب از مهمترین مشتریان کتاب در آلمان میباشد و هر يك از آنان سالانه حد اقل دو کتاب و بیشتر شان چند کتاب خریداری مینمایند! ...

جرايد

🕌 **مکتب اسلام** : چنین است نمونه کوششهای ارزنده دیگران درباره تماس و تقویت کتابخانه‌های عمومی... و با ملاحظه این ارقام، بی‌شک مسلمانان باهمت ایران در اهداء کتاب به کتابخانه عمومی مکتب اسلام در قم، و تکمیل این مرکز علمی و دینی، بیش از پیش کوشا خواهند بود .

ما بدینوسیله از **انجمن خیریه اسلامی** - تهران که در ماه رمضان ۱۷۵ جلد کتاب بکتابخانه عمومی مکتب اسلام اهداء کرده اند و همچنین افراد محترم دیگری که کتابهای دیگر فرستاده اند تشکر میکنیم و امیدواریم که کار آن انجمن سرمشق دیگر برادران مسلمان گردد .

جامعه انسانی یا نژادی؟

جرج سجعان جرداق، ادیب و شاعر معروف مسیحی، کتاب
بزرگی درباره امام علی ابن ابیطالب علیه السلام در ۵ جلد تألیف
کرده است که جلد سوم آن، مقایسه ایست بین اصول و مبانی آن پیشوای
بزرگ و مواد اعلامیه حقوق بشر ...

مقاله کوتاه زیر ترجمه چکیده ای از یک بخش جلد سوم
این کتاب است که در آن گوشه ای از چگونگی شکل جامعه
انسانی امام (ع) بطور اجمال نشان داده شده است ...

سیدهادی خسروشاهی

* * *

جامعه انسانی

ما در این کتاب - امام علی - ثابت کردیم که جامعه مورد نظر علی بن ابیطالب ، يك جامعه
قبیله ای نیست ، زیرا جامعه قبیله ای از نظری ، يك اجتماع ستمکار و غاصبی است که فرزندان
خود را تحت فشار قرار میدهد و نرزش بکار نمی برد و با تعصب احمقانه ، نه احساس انسانی بلند
پایه ، رفتار میکند و امتیازات طبقاتی بزرگان و متنفذان را ، بدون مراعات حقوق و کوششهای
همه افراد میهن در نظر میگیرد ... در همچو جامعه ای ، انگیزه های قبیله ای ، موجب افتخارات
متکی به گمان و اوهام می گردد و از انسان میخواهد که بر برادر خود تکبر و خود فروشی نشان
دهد و بر پدر خود برتری جوید و دلیل او بر این کارها ، گمراهی و نادانی و یا هوا پرستی است و
علاوه بر همه اینها ، جامعه قبیله ای خواستار آشوب و بلوا است و آشوب و اغتشاش ، باعث
ویرانی سرزمینها و نابودی و تباهی مردم و ناامیدی دلها و تاریکی سیاهی روی زمین است !
جامعه علی بن ابیطالب ، همچنین يك جامعه نژادی نیز نیست که عرب را بخاطر نسب
و خون و خاک ، بر غیر عرب ترجیح دهد ، در واقع جامعه نژادی ، از نظر امام علی ؛ همان
جامعه قبیله ای ستمکار و غاصب ، در چهار چوب و سیعتری است

و چنانکه علی بن ابیطالب در جامعه خود ، قرشی را بر تمیمی یا اسدی یا عبسی
ترجیح نمیداد ، و مضر را بر تراز ربعی نمی شمرد ، همینطور هیچگونه برتری برای
عرب در قبال رومی یا ایرانی بخاطر نژاد و نسب قائل نمیشد و هر انسانی در نظر امام